

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله تعالى على سيدنا و نبينا أبى القاسم محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين لا سيما بقية الله فى الارضين ارواحنا فداه و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

بسم الله الرحمن الرحيم

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّديْقَةِ فَاطِمَةَ الرِّكْبَةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَ نَبِيكَ وَ أُمَّ أَجْبَائِكَ وَ أَصْفِيائِكَ الَّتِي اسْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ طَلَمَهَا وَ اسْتَحَفَّ بِحَقِّهَا وَ كُنِ النَّائِرَ اللَّهُمَّ يَدْمِ أَوْلَادَهَا اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَيْمَةِ الْهُدَى وَ خَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ وَ الْكَرِيمَةِ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى فَضَّلْ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمِّهَا حَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تُقَرِّ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَ أَبْلَغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ النَّجِيَّةِ وَ السَّلَامِ.»

ادامه‌ی بحث در روایت دوم: (1:20)

اشکال پنجم:

اشکال دیگری که به استدلال به روایت ابوحنیون وارد هست که این اشکال به فرمایش شهید صدر هم وارد می‌شود این است که در بعض روایات مبارکات متشابه معنا شده به آن که معنایش را نمی‌فهمند، معنایش را نمی‌دانند. نه این که معنا معلوم است و مصداق مردد است و مشخص نیست. مثل این روایت شریفه که می‌فرماید:

بعد از این که فقوله عزوجل: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أُخْرُ مُتَشَابِهَاتٍ. طبق این نقل حضرت علیه السلام می‌فرماید:

«وَ إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ فِي الْمُتَشَابِهِ لِأَنَّهُمْ لَمْ يَقِفُوا عَلَى مَعْنَاهُ وَ لَمْ يَعْرِفُوا حَقِيقَتَهُ فَوَضَعُوا لَهُ تَأْوِيلًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ بِآرَائِهِمْ وَ اسْتَعْتَوْا بِذَلِكَ عَنْ مَسْأَلَةِ الْأَوْصِيَاءِ وَ تَبَدُّوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ.» [1]

که فرمود که به عترت مراجعه کنید و این‌ها مراجعه نکردند و از پیش خودشان معنایی را برداشت کردند در حالی که معنا را متوجه نشدند «لَمْ يَقِفُوا عَلَى مَعْنَاهُ وَ لَمْ يَعْرِفُوا حَقِيقَتَهُ»

آدرس: جامع احادیث شیعه، باب چهار از ابواب مقدمات، حدیث 113، یا 224 مسلسل. البته ایشان از وسائل نقل کرده.

«وسائل، علی بن الحسین المرتضی فی رساله المحکم و المتشابه نقلاً من تفسیر النعمانی باسناد الآتی عن اسماعیل بن جابر عن الصادق علیه السلام.»

سؤال: ...

جواب: نوشته جلد 18، صفحه 147. حالا این 18 ظاهراً طبع آقای ربانی باشد نه آل البيت.

جواب‌های اشکال پنجم: (4:50)

جواب اول: معلوم نیست کتاب محکم و متشابه از برای مرحوم سید مرتضی باشد

این اشکال اگر بخواند وارد باشد یعنی ما به عنوان یک اشکال آن را تلقی نکنیم اولاً توقف دارد بر صحت سند این روایت که باید معتبر باشد سند این روایت. و در این که این کتاب محکم و متشابه که منسوب به سید مرتضی رضوان الله علیه است، آیا واقعاً برای ایشان هست یا نه، محل کلام است بین اصحاب. درسته الان یک رساله‌ای وجود دارد و منسوب به سید مرتضی رضوان الله علیه هست، اما سندی بر این مسأله وجود ندارد فلذا است که در اعتبار این رساله و این کتاب تردید وجود دارد که برای مرحوم سید مرتضی باشد.

جواب دوم: (5:52)

مسأله دوم این است که «لَا تَهْمُ لَمْ يَقِفُوا عَلَى مَعْنَاهُ» آیا دلالت می‌کند بر این که چون متشابه معنایش قابل وقوف نیست، مجمل است یا نه یک معنای دقیقی دارد این‌ها متوجه آن نشدند، نه این که آن متشابه است. خب بعضی از کتب علمی هست متشابه نیست، مجمل نیست اما چون مطالبش مطالب عمیق و دقیقی است لذا هر کسی به مراجعه نمی‌فهمد. این معنایش این نیست که آن کتاب متشابه است. معنایش این است که یک ادبیاتی دارد، یک نحوه‌ای است که مثلاً فرض کنید که حالا بلاتشبيه این کتاب‌های ابن‌سینا بعضی‌هایش همین طور است. این شفایش، این یک ادبیات خاصی دارد. گاهی همان حرفی که در المنطق یا در تهذیب المنطق تفتازانی خوانده، در آن جا همان حرف با یک عباراتی ذکر شده که هر کسی سر در نمی‌آورد ولی همان حرف است. مطلب چیز جدیدی نیست ولی ادبیاتش یک ادبیات خاصی است که فهمش مشکل هست یک مقداری. این کتاب سابقین ما نسبت به حالا یک مقداری بعضی‌هایش همین طور است. مثلاً بوستان سعدی، گلستان سعدی الان دست جوان‌های امروز بدهید، خیلی متوجه شاید نمی‌شوند این چیست. حالا این متشابه نیست. این به خاطر این که به عبارات سهل و آسان عادت کردند و دیگر فهمیدن عبارات عمیق برای‌شان مشکل است.

سؤال: حاج آقا خود متشابه هم باز نسبی است. متشابه نسبت به ما...

جواب: نه یک امر واقعی است.

سؤال: نه منظور نسبی مثلاً همان متشابه را ائمه علیهم السلام می‌فهمند ما نمی‌فهمیم. برای ائمه علیهم السلام راحت است ولی برای ما مثلاً خیلی مشکل است. خود این همه

آیات را نمی‌گوید بعضی آیات را ...

جواب: نه ما همان بعض را داریم می‌گوییم. آیا این عبارت در این روایت که «لَا تَهْمُ لَمْ يَقِفُوا عَلَى مَعْنَاهُ» می‌خواهد بگوید چون متشابه چیزی است که لم یوقف علی معناه؟ یا نه مقصود عامه است و مفسرین عامه و عده‌ای از فقهای عامه است که این‌ها معنا را نفهمیدند و به اهل بیت علیهم السلام هم مراجعه نکردند و در ضلال افتادند. نه این که متشابه مساوی است و مساوق است معنایش با آن که لم یقف علی معناه و اجمال دارد، نه، این عامه این مشکله را دارند. اما کسانی که با راز و رمز تفسیر آشنا شدند، تلامذه مکتب اهل بیت علیهم السلام هستند آن‌ها نه، آن‌ها آیات را هم ممکن است بفهمند روی روال قانونی، ضوابط کلی نه این که در خصوص مورد، روایت وارد شده که معنای این روایت این است.

این به خدمت شما عرض شود که پس بنابراین این اشکال را دفع می‌کنیم اولاً به عدم ثبوت اعتبار سند و ثانیاً به این که این جمله هم درست واضح نیست که معنایش این باشد که متشابه یعنی آن که معنایش قابل وقوف نیست. نه این عامه این مشکله را دارند.

سؤال: ...

جواب: بله متشابه بعد از این که به محکم برگردانده شد عمل می‌کنیم.

سؤال: ...

جواب: در این روایت؟

سؤال: ...

جواب: این ندارد این را.

سؤال: این روایت نه، روایات دیگر.

جواب: روایات دیگر حالا بیاورید ولی ما فعلاً در این روایت داریم صحبت می‌کنیم.

اشکال ششم: (10:12)

اشکال بعد این است که این فرمایش مرحوم شیخ که فرمود معنای متشابه مجمل نیست بلکه ظاهر هست، همان عام، همان مطلق که مقید دارد، مخصّص دارد یا ظواهری که قرینه بر خلاف دارد. این جور معنا فرمودند و این معنا که مرحوم شیخ فرمود اشکالش این است که در روایات متعدد می‌بینیم که عام و خاص را، ناسخ و منسوخ را قسیم محکم و متشابه قرار داده. و قسیم ظاهرش این است که غیر از او هست و الا قسیم بودن تمام نیست. این روایتی است که در صفحه 196 همین جلد اول جامع احادیث شیعه از کافی نقل می‌کند، کافی جلد 1، صفحه 62.

«سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ الْهَلَالِيِّ رَضَوَانَ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِنِّي سَمِعْتُ مِنْ سَلْمَانَ وَ الْمِقْدَادِ وَ أَبِي دَرٍّ شَيْئاً مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَ أَخَذِيَتْ عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ ص غَيْرَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ ثُمَّ سَمِعْتُ مِنْكَ تَصْدِيقَ مَا سَمِعْتُ مِنْهُمْ...»

این یک قسمت.

و رَأَيْتُ فِي أَيْدِي النَّاسِ أَشْيَاءَ كَثِيرَةً مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَ مِنْ الْأَحَادِيثِ عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ (ص) أَنْتُمْ تُخَالِفُونَهُمْ فِيهَا وَ تَرْغُمُونَ أَنَّ ذَلِكَ كُلُّهُ بَاطِلٌ أَمْ قَتَرَى النَّاسَ يَكْذِبُونَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) مُتَعَمِّدِينَ وَ يُفَسِّرُونَ الْقُرْآنَ بِآرَائِهِمْ؟..

این سؤالی که سلیم بن قیس از مولی امیرالمؤمنین سلام الله عليه کرده به حسب این نقل.

قَالَ فَأَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ قَدْ سَأَلْتَ فَأَفْهَمَ الْجَوَابَ إِنَّ فِي أَيْدِي النَّاسِ حَقًّا وَ بَاطِلًا وَ صِدْقًا وَ كَذِبًا وَ تَأْسِخًا وَ مَنْسُوخًا وَ عَامًّا وَ خَاصًّا وَ مُحْكَمًا وَ مُتَشَابِهًا وَ حِفْظًا وَ وَهْمًا...

بعضی چیزها را که درست حفظ کردن، تحفظ کردند به خصوصیاتش و یک چیزهایی هم هست که موهوم است، خیال کردند.

وَ قَدْ كُذِّبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) عَلَى عَهْدِهِ حَتَّى قَامَ خَطِيبًا فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ كُنْتُ عَلَى الْكَذَّابَةِ

تا آخر. خب بعد تقریباً یک صفحه مطلب هست، تا می‌فرماید که:

فَإِنَّ أَمْرَ النَّبِيِّ (ص) مِثْلُ الْقُرْآنِ تَأْسِخٌ وَ مَنْسُوخٌ وَ خَاصٌّ وَ عَامٌّ وَ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ» [2]

این روایت شبیه همان روایت مورد استدلال است که آن جا هم فرمود که روایات ما هم مثل قرآن، محکم و متشابه دارد. این هم دارد می‌فرماید که امر رسول الله (ص) هم همین جور است. عام و خاص دارد، محکم و متشابه دارد، ناسخ و منسوخ دارد. این روایت هم همان مدلول را دلالت می‌کند.

خب شما می‌بینید هم در قرآن شریف محکم و متشابه را در قبال عام و خاص انداخته، در قبال ناسخ و منسوخ انداخته که ناسخ و منسوخ معنای هر دو واضح است، هم مفهوماً و هم مصداقاً، منتها نسخ شده. این جور نیست که اجمالی در آن باشد. و در مورد عام و خاص هم که روشن است اجمالی ندارد. عام اجمال مفهومی ندارد. خاص اجمال مفهومی ندارد. بله خاص طبق گفته آقایان قرینه می‌شود بر این که از عام در مراد جدی چه مقصود است. طبق متدوال عند الناس ناسخ است، پس بنابراین از این روایت استفاده می‌شود که متشابه و محکم این معنایی نیست که شامل عام و خاص بشود، شامل مطلق و مقید بشود. این در قبال آن‌ها است. و قسم آن‌ها است. باید یک معنای دیگری داشته باشد.

و هکذا یک روایت دیگر هم از این روایات را بخوانم چون تقریباً می‌شود گفت که جامع احادیث شیعه جمع فرموده. یعنی شاید بتوان گفت کمتر روایتی است که از قلم افتاده باشد اگرچه آن روایت ابوحنیف که آقای عطیما گفتند در احتجاج هم وجود دارد حتی در جامع احادیث از احتجاج نقل نکرده. نه وسائل از احتجاج نقل کرده، نه جامع احادیث، با این که جامع احادیث معمولاً نقل می‌کند اگر باشد. حالا این جا از قلم افتاده هم از وسائل و هم از جامع احادیث شیعه.

باز در کافی شریف جلد 1، صفحه 213 روایتی است:

«عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ ...

تا این که می‌رسد می‌فرماید که:

وَالْقُرْآنُ خَاصٌّ وَ عَامٌّ وَ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ وَ تَاسِيعٌ وَ مَنْسُوحٌ قَالَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَعْلَمُونَهُ.» [3]

باز این جا شما می‌بینید که مقابله انداخته.

پس بنابراین این هم اشکال دیگری است که ظاهر مطلب این است که به حسب این تعابیر ما نمی‌توانیم آن جوری که مرحوم شیخ معنا فرمودند معنا بکنیم و بگوییم عام و خاص مقصود از متشابه عمومات است، مطلقات است، کلمات ذو القرائن است. این‌ها است. این نمی‌شود چون مقابله انداخته شده. این هم اشکال دیگری است که ظاهراً این اشکال هم دیگر جواب نداشته باشد. خب پس حق در مقام حالا چیست؟

سؤال: اگر حرف شیخ و استدلالش را می‌پذیریم این‌ها می‌شود از باب عطف خاص بر عام یا عام بر خاص.

جواب: نه خلاف....

سؤال: دو تا امر دائر بین دو چیز است. باید ببینیم حرف شیخ اگر ...

جواب: حرف شیخ چه بود؟

سؤال: که گفت اتباع معقول نیست و این‌ها را. واقعاً اگر پذیرفتیم چاره‌ای نیست.

جواب: نه گفتیم دیگر. حالا عرض می‌کنیم.

سؤال: ... بالاخره عام و خاص یا محکم است یا متشابه است. این جور نیست که عام یک چیز است، خاص یک چیز است، محکم یک چیز است. بالاخره آن عام و خاص هم یا ...

جواب: نه. عام و خاص غیر از محکم و متشابه است.

حالا چرا؟ یا محکم و متشابه باید همان معنای شهید صدر بگیریم یعنی معناها روشن است. محکم آن است مصایقش روشن است، شکی در آن نیست. متشابه آن است که مصادیقش مردد است.

سؤال: بعضی از عام و خاص محکم هستند بعضی‌هایشان ...

جواب: معنا این است. حالا یک جایی ممکن است یک چیزی مصداق آن بشود. معنای محکم و متشابه چون مقابله انداخته، قسیم قرار داده پس بنابراین معنایش این می‌شود. این اگر معنایش بشود که شهید صدر می‌فرماید تحفظ بر مقابله شده. یعنی آن جا ممکن است این عناوین گاهی هم تصادق پیدا بکنند بر یک چیزی اما مفهوماً این‌ها جدا هستند از هم دیگر.

سؤال: شیخ انصاری هم نمی‌گفت که متشابه ...

جواب: شیخ انصاری می‌فرمود که عام و خاص، مصداق محکم و متشابه است. اصلاً محکم و متشابه را این جوری معنا فرمود.

سؤال: عام و خاص محکماً هستند یا متشابه هستند؟

جواب: عام و خاص، عام و خاص هستند. نه محکماً هستند نه متشابهات هستند. عام و خاص، عام و خاص هستند. چون مقابله انداخته، قسم قرار داده.

سؤال: چند تقسیم است ظاهراً با جهات تقسیم متفاوت. این‌ها قسم هم نشدند. تقسیمات متعدد هستند با وجه قسمت‌های متعدد.

جواب: نه این جور نیست، قسم است دیگر. یعنی چند تا تقسیم‌های مختلف... پس مقسم محکم و متشابه چیست؟ مقسم عام و خاص چیست؟ مقسم ناسخ و منسوخ چیست؟

سؤال: مقسمش آیات است، جهت تقسیمش....

جواب: جهت تقسیم‌شان چیست؟

سؤال: به یک حیثی مثلاً محکم هستند یا متشابه، به یک حیثی یا ناسخ هستند یا منسوخ.

جواب: اشکال ندارد. ولی آن را نمی‌گیرد. معنای این، این نیست که عام و خاص را شما مطلقاً مصداق متشابه بدانید.

سؤال: ...

جواب: مصداق متشابه قرار نداده و الا معنا ندارد اگر همه عام و خاص‌ها مصداق محکم و متشابه است که شیخ می‌فرماید. اگر همه عام و خاص‌ها مصداق محکم و متشابه است دیگر مقابله انداختن ندارد که آقا این‌ها عام و خاص را نمی‌شناسند، محکم و متشابه را نمی‌شناسند.

سؤال: حاج آقا محکم و متشابه نقیضین هستند، متشابه آن چیزی است که محکم نیست. بالاخره یک کلام یا محکم است یا متشابه است از این دو حال که خارج نیست.

جواب: اما این محکم است یا متشابه است یعنی چه؟ متشابه است یعنی مفهومی روشن نیست. و محکم است یعنی مفهومی روشن است. این یک احتمال. دو، این که محکم است یعنی هم مفهوم، هم مصداق روشن است، متشابه است یعنی مصداق روشن نیست ولو مفهوم روشن است که مرحوم شهید صدر این جوری معنا می‌فرماید. یا نه محکم و متشابه، متشابه یعنی معنا روشن است ولی احتمال می‌دهیم خلاف ظاهری از آن مقصود باشد. معنا روشن است ولی احتمال خلاف ظاهر می‌دهیم در مراد جدی یا در مراد استعمال حتی، احتمال خلاف ظاهر می‌دهیم آن وقت اگر این گفتیم سعه‌اش همه ظواهری را می‌گیرد که در مقابلش اظهاری وجود داشته باشد، قرینه‌ای وجود داشته باشد، عامی باشد در مقابلش خاصی باشد، مطلقاً باشد در مقابلش مقیدی باشد همه این‌ها را پوشش می‌دهد. فرمایش شیخ اعظم این است که محکم و متشابه همه این‌ها را پوشش می‌دهد و حضرت علیه السلام آن وقت دستور می‌دهند می‌فرمایند در همه این جاها شما رد کنید متشابه را به محکم. یعنی عام‌ها را رد کنید به خاص‌ها، مطلق‌ها را رد کنید به مقیدها، ظاهرها را رد کنید به اظهرا، ذو القرینه‌ها را رد کنید به قرینه‌ها. متدی است دارد

شارع ترسیم می‌کند و می‌گوید طبق این عمل بکنید. خب شیخ اعظم رضوان الله این جوری حدیث را معنا می‌فرماید. اگر این جور حدیث معنایش باشد که ایشان استظهار می‌کند خب این روایت دارد یک متدی را به ما می‌گوید. حالا این متد می‌خواهد موافق ما عند العرف باشد می‌خواهد نباشد. شارع می‌گوید این کار را بکنیم. ما می‌گوییم چشم.

و انما الکلام در این که آیا معنا این است؟ خب مناقشاتی بود و یکی هم مناقشه شهید صدر بود. و یک مناقشه هم این است که این جور که شما معنا می‌کنید پس بنابراین دیگر عام و خاص باید در ظل محکم و متشابه قرار بگیرد. مصداق آن قرار بگیرد و حال این که در این روایات می‌بینیم قسم قرار داده، مقابله انداخته بین این دو تا. نه مصداق او قرار داده باشد.

بنابراین، این هم موجب یا زعم ما می‌شود به این که آن معنا درست نیست یا حداقل موجب تردید می‌شود.

حالا محکم و متشابه یعنی چه در قرآن شریف؟ بعید نیست صحیح در معنای متشابه و محکم همان فرمایش علامه طباطبایی رضوان الله علیه باشد. ایشان خیلی این مساله را در این جا تفصیلاً و جامع الاطراف بحث فرموده که بعد از این که آیات و مطالبی را می‌فرماید، می‌فرمایند که: صفحه 21، جلد سوم در ذیل آیه مبارکه.

«کل ذلك يدل على أن المراد بالمتشابه كون الآية بحيث لا يتعين مرادها لفهم السامع بمجرد استماعها بل يتردد بين معنيٍّ و معنى حتى يرجع إلى محكمات الكتاب فتعين هي معناها و تبينها بياناً، فتصير الآية المتشابهة عند ذلك محكمة بواسطة الآية المحكمة، و الآية المحكمة محكمة بنفسها...»

این محکمه بغيرها.

سؤال: یعنی اجمال مفهومی...

جواب: یعنی یک تردد در مراد است بدو. وقتی انسان برمی‌خورد به آن، یک تردیدی برای او حاصل می‌شود. و حالا مثال‌هایی زدند.

كما أن قوله: «الَرْحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»، يشته المراد منه على السامع أول ما يسمعه،...

که یعنی چه؟ علی العرش استوی یعنی خدا روی کرسی یا بر عرش نشسته. مثل یک سلطانی که بر عرش تکیه می‌زند خدا این جور نشسته؟ این معنایش هست؟ «إِنَّ اللَّهَ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» یا یک چیز دیگری معنایش هست؟

فإذا رجع إلى مثل قوله تعالى: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»...

اگر خدا این جوری بنا بود خب مثل او شیء بود. همان کسانی که آن‌ها هم بر کرسی تکیه می‌زنند. می‌گوید «لیس کمثله شیء». این جا

استقر الذهن على أن المراد به التسلط على الملك و الإحاطة على الخلق دون التمكن و الاعتماد على المكان المستلزم للجسم المستحيل على الله سبحانه،...

پس می‌فهمد این کنایه است. «إِنَّ اللَّهَ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» یعنی احاطه بر خلق و تسلط بر ملک و ملکوت دارد، این را از آن استفاده می‌شود. این معنا بعد از این است که به محکّمات توجه می‌کنیم و می‌فهمیم که بله مفاد این است، مراد این است، معنایی که می‌خواهد بگوید این است. یا این فرمایش خدای متعال «إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ...»

خب ابتدائاً در ذهن می‌آید یعنی با چشم‌هایش می‌بیند خدا را یا نه یک معنای دیگری دارد؟ إذا رجع إلى مثل قوله: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» علم به أن المراد بالنظر غير النظر بالبصر الحسي...

دیدار خدا بود میسر با دیده دل نه دیده سر.

و کذا إذا عرضت الآية المنسوخة على الآية الناسخة تبين أن المراد بها حكمٌ محدودٌ بحد الحكم الناسخ و هكذا. [4]

پس بنابراین ...

سؤال: ناسخ و منسوخ را متشابه گرفته.

جواب: خب بله. یعنی چه؟ یعنی ابتدائاً معنا نمی‌دهد که همیشگی است یا همیشگی نیست. به منسوخ که برمی‌خوریم حدود آن را روشن می‌کند که این همیشگی نیست.

خب اگر این جوری معنا کنیم پس امام رضا سلام الله علیه به حسب این روایت می‌فرماید که کلام ما هم ناسخ منسوخ دارد یعنی ما حرف‌هایی هم که می‌زنیم مثل قرآن است گاهی ابتدائاً شما حرف ما را که می‌شنوید ممکن است یک معنایی مردد بشود به یک معنای درست و یک معنایی که درست نیست. ولی به حرف‌های دیگر ما که نگاه کنید معلوم می‌شود که این جا چه خواستیم بگوییم. «كَلَامُنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ». آن‌ها، قرینه قطعیه می‌شود برای این که مقصود در این جا چیست. این مثل آن است. بنابراین آن وقت از این کلام یک قانون استفاده نمی‌شود که بخواهد یک قانون بگوید، بگوید متد این است که اگر یک عامی داشتیم خاصی داشتیم حالا چه قطع بیاورد، چه قطع ندارد شما باید خاص را مقدم بدارید. مطلق و مقیدی داشتید چه معلوم بکند، چه ... نه، این می‌گوید با آن می‌فهمید، مراجعه کنید می‌فهمید، علی‌ضوء آن‌ها روشن می‌شود. مثل همین آیات. وقتی مسلم است که خدا لایدرکه الابصار، دیگر این جا نمی‌شود معنای ناظره این باشد. این قرینه قطعیه است. وقتی که خدا جسم نیست، لیس کمثله هست، دیگر نمی‌شود «إِنَّ اللَّهَ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» به آن معنا باشد. آن جا قطع برای ما می‌آید. و هكذا.

سؤال: مرحوم علامه هم ناسخ و منسوخ را جزو محکم و متشابه گرفته و...

جواب: اگر ایشان بگیرید این جا می‌گوییم این مورد را نباید جزو آن بشمارید. چون در روایت قسیم قرار داده.

سؤال: در یک روایت دیگر فرموده «إِنَّ الْمُنْسُوخَ مِنَ الْمُنْتَشَاهَاتِ، وَ النَّاسِخَ مِنَ الْمَحْكَمَاتِ». روایت از محمد بن یعقوب هست.

جواب: خب این طبق همان روایت می‌شود که بله. آن زمانش را مثلاً.

سؤال: مصداقی همان عموم و خصوص من وجه ...

جواب: ممکن است گاهی.

علی ای حال و حاصل الکلام این است که ما به واسطه این روایت مبارکه نمی‌توانیم جازم بشویم به این که ... چون اگر حرف‌هایی که زدیم درست بود خیلی خب، اگر هم نه، فوقش خود این حدیث متشابه است که این حدیث چه می‌خواهد بفرماید و با این حدیث شریف جازم نمی‌توانیم بشویم. بله بالاخره از این حدیث می‌فهمیم که در کلمات ائمه علیهم السلام هم محکم و متشابه وجود دارد و رد متشابهاً به محکّمات می‌شود. اما یک متد خاص از این روایت استفاده بشود، نه.

خب دو طایفه دیگری از روایاتی که به آن‌ها استدلال شده برای متد خاص باقی مانده که ان شاء الله شنبه

و صلی الله علی محمد و آل محمد.

[1]. وسائل الشیعة، ج 27، ص: 200 - 201

[2]. الکافی (ط - الإسلامية)، ج 1، ص: 62 - 63

[3]. الکافی (ط - الإسلامية)، ج 1، ص: 213

[4]. المیزان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص: 21